



دوسند پرارزش از تاریخ امامزاده عبدالله (ع)

امیرسعید الهی

بارگاه امامزاده عبدالله بن عباس معروف به عبدالله الابيض واقع در شمال غربی شهرری فعلی از دیرباز زیارتگاه مردم تهران و شهرری بوده است و تاریخ نخستین بنای آن را به سده چهارم هجری می‌رسانند.

در کتاب‌های انساب از جمله جنة النعیم، مجالس المؤمنین، النقص، تاریخ قم در اینکه این بقعه از آن عبدالله بن عباس و یانواده او عبدالله بن حسین باشد اختلاف است امامی دانیم که نسبت این امامزاده با پنج پشت به امام زین العابدین (ع) می‌رسد. محوطه این امامزاده تا پیش از تأسیس بهشت زهرا از مهم‌ترین آرامگاه‌های پیرامون تهران به‌شمار می‌رفت و بسیاری از بزرگان و پیشینیان اهالی فعلی تهران در اینجا به خاک سپرده شده‌اند. در اینجا بر آنیم که دو چهره از خادمان پیشین این بقعه متبرکه را به خوانندگان معرفی کنیم.

از هنگامی که تهران به پایتختی برگزیده شد رفته‌رفته بناهای پیرامون آن از جمله بقعه امامزاده عبدالله نیز مورد توجه قرار گرفت، بدین سان آغاز آبادانی این مناطق را باید از اوایل دوره قاجار به‌شمار آورد. یکی از اشخاصی که در آن زمان و به مدت زیادی سرپرستی و تولیت این امامزاده را بر عهده داشت و در آبادانی آن کوششی فراوان کرد میرزا محمدجعفر لواسانی معروف به «حکیم الهی» از ادبا و مجتهدان مشهور تهران در سده سیزدهم قمری است که در محله عولادجان تهران منزل داشت. او که از دست پروردگان حوزه درسی اصفهان بود پس از پایان تحصیل در رشته حکمت الهی به تهران آمد و پس از آشنایی با میرزا ابوالقاسم قائم مقام [وزیر عباس میرزا و صدر اعظم محمدشاه] مورد توجه دربار قاجار قرار گرفت.

مأخذ دورة قاجار از جمله المآثر والآثار، تحفة الالباب، مجمع الفصحاء، طارثق الحقائق و اعيان الشيعة از حکيم الهی با احترام و تجليل یاد کرده و حاج سیاح، امير نظام گروسی و نظام السلطنه مافی در نوشته های خود او راستوده اند.

پژوهشگران معاصر از جمله فریدون آدمیت، مهدی بامداد، خان ملک ساسانی و دکتر حمید عنایت نیز نقش او را در ترویج اصلاحات در دوران ناصری با اهمیت شمرده اند و شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة شرحی از دعای صباح منسوب به امام علی ابن ابی طالب (ع) را از آن او دانسته است. شماری از نسخ خطی و نوشته های تاریخی او نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.

برابر اسنادی که در صفحات بعد آورده ایم در اواخر سلطنت فتحعلی شاه قاجار شاهزاده «علی میرزا» معروف به «ظل السلطان» (بعدها دعوی سلطنت کرد و شکست خورد) که در آن هنگام حاکم تهران بود طرحی جهت بازسازی و «آبادانی بقعة متبركة حضرت امام زاده عبداللّه بن عباس... که از حلیة آبادی عاری آمده و به مرور دهور و اعوام قرین انهدام شده بود» تهیه کرد و سرپرستی آنجا را به میرزا محمد جعفر حکیم الهی لواسانی واگذار کرد. میرزا جعفر حکیم الهی در مدت سرپرستی خود بر امام زاده عبداللّه برای آبادانی این ناحیه کوشید و آن را درختکاری و سبزیکاری کرد و برای آبیاری آنجا قنات های متعدد بیرون آورد. او که در سال ۱۲۷۶ق با مسافرت به کرمانشاهان از این سمت کناره گیری کرد بعدها در سال ۱۲۸۷ق (دوران ناصرالدین شاه) استشهادنامه ای جهت اثبات مالکیت خود بر قنات امام زاده عبداللّه (ع) تهیه و آن را به امضا و مهر معتمدان شهر از جمله «علما و سادات و اعظام و اهالی دارالخلافة و ساکنین زاویه مقدسة حضرت عبدالعظیم» رساند و امضاکنندگان در حاشیه هایی که بر این سند نوشته اند بر خدمات حکیم الهی در آبادانی این ناحیه و سهم او در امر درختکاری و بازسازی قنات شهادت داده اند.

در اینجا متن نخستین سند و سپس حواشی آن را به نظر می رسانیم. باشد تا خدمات گذشتگان ما در سینه تاریخ ثبت شود.

سند اول:

«هوالمالک بالاستحقاق»

استشهاد و استعمال و استخبار می رود از علما و سادات و اعظام و اهالی دارالخلافة الباهرة عموماً از سادات و پیرمردها و اهالی زاویه مقدسة حضرت عبدالعظیم علیه الآف التحية خصوصاً که هر یک علیم و خبیر باشند بر اینکه این احقر در اواخر عهد خاقان مغفور هنگام تصدی و تولیت و تعمیر بقعه و باغ امام زاده عبداللّه علیه التحية و الثناء، قنات کهنه (ای را) به شرکت علی اکبر خان وزیر، شرکت (سهم) علی اکبر خان را به نهج شرعی در محضر آخوند ملارجبعلی اعلی الله مقامه و وقوع به مهر امام جمعة بزرگ اعلی الله مقامه یافته و به ثبوت مرحوم آقا محمود انتقال به خود نموده شش دانگ را متصرف بوده [ام و] وقت رفتن این احقر به ملا باشیگری کرمانشاهان دایر و معمور بود [و] در غیبت



Handwritten text in Persian script, including a signature and a date. The signature appears to be 'محمد علی' and the date is '۱۳۰۲'. There are also some smaller inscriptions and a decorative flourish on the right side.

Handwritten text in Persian script, starting with 'بسم الله الرحمن الرحیم'. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, faint watermark in the background.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or list. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, faint watermark in the background.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or list. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, faint watermark in the background.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or list. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, faint watermark in the background.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or list. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, faint watermark in the background.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or list. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, faint watermark in the background.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or list. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, faint watermark in the background.

Handwritten text in Persian script, continuing the narrative or list. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, faint watermark in the background.

حقیر خراب شده [است]. هر یک امروز شهادت بر تملک بنده و بر غاصب و غضبیت این قنات دارد مستدعی است در این ورقه ثبت نمایند که عندالله ضایع نخواهد شد. فی غره ربیع الاول سنه ۱۲۸۷ تحریر شد.

حاشیه ۱: از عبدالله منشی طبرسی

هو الله تعالی شأنه

در نزدیکی پایان سلطنت و اواخر عهد دولت خاقان خلد آشیان مبرور البر الله تعالی ظل النور که آغاز عمارت و آبادانی و اعاده شباب و جوانی اراضی اموات و بایره شهر ری ... بود این بنده احقر عبدالله منشی طبرسی را به یاد اندر است و مرکوز خاطر که جناب مستغنی الاوصاف و الالقاب حکیم الهی سلمه الله تعالی مکلف به تولیت بقعه متبرکه و تعمیر و آبادانی ساحات امامزاده واجب التکریم امامزاده عبدالله علیه آلاف والتحیه و الثناء گردیدند. در آن ضمن که به توسط مرحوم محمدباقر خان کاشانی از جانب سنی الجوانب شاهزاده مرحوم نواب غفران مآب ظل السلطان تغمد الله لغفرانه وجه تعمیر امامزاده و آبادانی آن جایگاه به جناب حکیم الهی دام عزه می رسد. بنای عمران اراضی بایره آن مرزو و سامان که گیاهی در آن نمی روید و آثار درختی در آن حدود نبود شرکت قنات مزبور در اول و مصالحه آن در آخر با عالی جاه اکبرخان اتفاق افتاد و به جناب حکیم انتقال یافت. خود علیم و خبیر و شاهد و حاضر بود فرمان خاقان علیین مکان مغفور که در امضای رقم نواب غفران مآب به ظل السلطان علی الله مقامه صادر شد خط مرحوم مبرور والدین بنده است. مکرر در ایام و لیالی متبرکه با جمعی از اصحاب حل و عقد و ارباب زهد و قدس در آن خانقاه و بقعه مبارکه به سر برده ایم، اکنون قنات مزبور را ملک طلق و عین المال خاص خاص جناب حکیم الهی دام افضاله می دانم و تصرف غیر را بدون انتقال از جناب ایشان به غضب شهادت می دهم واضح شد. حرره فی ۱۲ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۷ (سجج مهر: یا ابا عبدالله ۱۲۰۸)

حاشیه ۲: از اسدالله کاشانی

هو

حقیر اسدالله کاشانی از بدو جوانی خدمت جناب قبله گاهی حکیم الهی ارادتی مخصوص داشتم و مکرر در هنگام غرس اشجار و کشیدن دیوار امامزاده با مرحوم عموی محمدباقر خان به دیدن حکیم معظم له می رفتم و در این چند روزی که [برای] مشایعت مرحوم مغفور خان وزیر به شاهزاده عبدالعظیم سلام الله علیه مواظب خدمت جناب حکیم و آقا سید محسن و آقا سید نورالدین بروجردی بودم در حضور مرحوم ملارجعلی اعلی الله مقامه در ایوان پهلوی امامزاده طاهر حاضر بودم و پنجاه تومان تنخواه آن راهم [که] علی اکبرخان در همان روز حواله حاجی محمد مهدی کرک یراق در وجه آقا محمد علی کرک یراق داد شاهدیم. پس از تشریف بردن مرحوم وزیر، شب را در خدمت جناب حکیم در امامزاده ماندیم و [زیر نور]

بدون انتقال شرعی از شما به او، تصرف نماید و نموده شرعاً غاصب است (سجع مهر: ... الموسوی)

حاشیه ۴: از محمد حسن الحسینی

هو

اقل خلق الله از بدو جوانی تا کنون چه در اصفهان و چه در طهران با جناب حکیم غالباً معاشر بوده ام و از اموری که برای جناب ایشان واقع می شد. نظر به موافقت تامه مستحقر می شدم. کیفیت تولیت جنابش را در قنات مذکور و غرس اشجار و تعمیر و آبادانی بعضی از عمارات آنجا را به تحقیق مستحضرم و شهادت دارم و ما شهدنا الا بما علمنا ولا نکتّم الشهادة امرأ و ید متصرف را بدون سند شرعی بر انتقال به غیر که تا کنون مطلع بر انتقال به غیر نشده ام، غصب می دانم.

تحریراً فی ربيع الثاني سنة ۱۲۸۷ (سجع مهر: عبده محمد حسن الحسینی ۱۲۵۸)

حاشیه ۵: از محمد بن احمد کاشانی

هو

بنده بر مراتب مفصله علم قطعی و شهودی دارم مزبور بدون انتقال شرعی از جناب مستطاب حکیم در ید متصرف غصب است. العبد الاقل محمد بن احمد الكاشانی.
(سجع مهر: عبده محمد بن احمد الكاشانی)

حاشیه ۶: از مجد الملک

بسمه تعالی

از مساعی جمیله ای که جناب مستشهد در جاری کردن این قنات و آبادی اراضی بی آب و خاک و خراب متعلقه به قنات ظاهر فرموده اند اقل... مستحضرم و شهادت می دهم. فی الحقیقه این اقدامات حسنه ایشان اسباب تشویق خاطر سایر مردم شد که در خرابه های شهر ری بنای دایر کردن قنات و غرس اشجار و زراعت کردند. در باب قنات موافق سندی که ایشان دادند چنانچه از ایشان به نهج شرعی به کسی منتقل نشده باشد بدیهی است که محل حرف خواهد بود (سجع مهر: مجد الملک ۱۲۸۲)

میرزا جعفر حکیم الهی که ذوق فراوان در امر آبادانی و آبیاری داشت، در شمال تهران و در منطقه ای که آن روزها «خلازیر» نامیده می شد نیز مزرعه ای تأسیس کرد و قنات های متعددی نیز در آنجا بیرون آورد که آب آنها اینک زمین ها و باغات این ناحیه را آبیاری می کند که امروزه به نام خود وی «الهی» نامیده می شود و از مناطق خوش آب و هوا و اعیان نشین تهران به شمار می رود.

حکیم الهی در سال ۱۲۹۸ ق در تهران درگذشت و بنا به وصیت خود وی در نجف اشرف به خاک سپرده شد. از فرزندان او میرزا شمس الدین حکیم الهی بود که در علم کلام، حکمت و ریاضی دستی توانا داشت.

سند دوم:

این سند که مربوط به یکصد و پنجاه سال پیش است به هنگامی برمی گردد که حکیم الهی پس از حدود سی سال تولیت آستانه امامزاده عبدالله به ملا باشیگری کرمانشاهان منصوب شده است. در این سند که فرمانی است از ناصرالدین شاه قاجار به تاریخ ذی‌قعدة ۱۲۷۶ قمری (وده سال پیش از سند اول نوشته شده است) ناصرالدین شاه ضمن برشمردن خدمات ظل السلطان و اشاره به تولیت حکیم الهی بر این ناحیه و سرپرستی کامل او و اینکه «مشارالیه به جهت مجاورت قم و مسافرت، توقف دارالخلافة همیشه برای او ممکن نبود و به طور شایسته و دلخواه نمی توانست به ضبط و ربط آنجا قیام نماید»، تولیت آنجارا «بر عهده کفالت [داماد او] میرزا سید محمد پسر مرحوم حاجی سید رضی لاریجانی ساکن تهران» و گذار کرد.

میرزا سید محمد معروف به «ادیب لاریجانی» و «شمس الادبا» در این هنگام سیدی جوان بود که تنها ۲۳ بهار از عمرش می گذشت. او فرزند آقا سید رضی لاریجانی عالم ربانی و مدرس مشهور عرفان نظری در حوزه اصفهان بود که از لاریجان مازندران به قصد تحصیل علوم دینی و به همراه خاندان خود به اصفهان رفت و در مکتب الهی اصفهان پرورش یافت و از حوزه درس اساتید بزرگ عصر از جمله آخوند ملا علی نوری خوشه‌ها برچید و شاگردانی همچون آقا محمدرضا قمشه‌ای (صهبا) پرورش داد. او پس از تأسیس مکتب عرفانی تهران در ۱۲۷۰ ق درگذشت و در صحن امامزاده طاهر (ع) به خاک سپرده شد.

پسرش میرزا سید محمد در ۱۲۷۶ ق همراه پدر از اصفهان به تهران آمد و پس از سه سال در ۱۷ سالگی پدر را از دست داد و در سایه تربیت میرزا محمد جعفر حکیم الهی قرار گرفت. او که به نوشته «حدیقة الشعراء» «تحصیل انواع علوم کرده بود» در فلسفه مشاء از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه و در طریقت از مریدان استاد غلامرضا شیشه‌گر معروف به مشتاقعلی شاه بود و از عنفوان جوانی به شعر و ادبیات گرایش یافت و مآخذ دوره قاجار از جمله مدینه‌الادب، مجمع الفصحاء، المآثر والآثار و حدیقة الشعراء از او یاد کرده و مجمع الفصحاء او را «از جمله صاحبان طبع سلیم و ذوق مستقیم در شعر عربی و فارسی می شمارد که فصاحت لسان را با ملاحظت بیان جمع نموده و در فنون سخن منظوم رقت لفظ را با دقت معنی ایراد می نماید»^۲ بیشتر اشعارش در رثای خاندان عصمت و طهارت و بیش از همه سرسپرده پیامبر اسلام و علی بن ابی طالب بود.

مدت سرپرستی او بر امامزاده عبدالله روشن نیست. اما می دانیم که او در ۱۲۹۱ ق با دستخط ناصرالدین شاه به «شمس الادبا» ملقب شد و در ۱۳۰۳ ق در پنجاه سالگی چشم از جهان فرو بست. متن فرمان انتصاب او به تولیت امامزاده عبدالله (ع) (پس از میرزا جعفر حکیم الهی) را که متاسفانه بخش‌هایی از آن از بین رفته است در اینجا می آوریم:

بسم الله تعالى شأنه العزيز
سجع مهر ناصرالدین شاه
(تاکه دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت)
(صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت)

الملك لله تعالى شأنه - حکم همایون شد:

آنکه از قرار فرامین مطاعه خاقان خلد آشیان و شاهنشاه فردوس مکان نورالله مضجعهاکه بر طبق رقم مرحمت پناه شاهزاده ظل السلطان شرف صدور یافته بقعه متبرکه حضرت امامزاده لازم التعظیم و التکریم عبدالله بن عباس که مطاف ملک و ملجأ عامه ناس است از حلیه آبادی عاری آمده و به مرور دهور و اعوام، قرین انهدام شده بود، شاهزاده مرحوم همت رابه آبادی و تعمیر آنجاگماشته، ظاهراً آن مکان شریف را عنوان رشک خلد برین ساخته به بذرده خروار زمین مزروعی از سمت شهر دارالخلافة متصل به باغ بقعه مبارکه را احیا کرده سه دانگ از قنات... خالی را وقف امامزاده نموده و تولیت آنجا را به جناب مجدت نصاب مستغنی الاوصاف والالقب میرزا محمد جعفر لواسانی حکیم الهی مفوض داشته بود و او هم در اوایل سرپرستی کامل به عمل آورده... مشارالیه به جهت مجاورت قم و مسافرت توقف دارالخلافة همیشه برای او ممکن نبود و به طور شایسته و دلخواه نمی توانست به شرایط ضبط و ربط آنجا قیام نماید، لهذا به طیب خاطر و رضا و رغبت، تولیت بقعه، متبرکه امامزاده را از هذه السنه نیچگی نیل خیرت دلیل و ما بعدها به عهده کفالت عالی جناب فضایل و کمالات اکتساب سلالة السادات والاطیاب میرزا سید محمد پسر مرحوم حاجی سید رضی لاریجانی ساکن تهران که به صفت امانت و دیانت و حسن اخلاق موصوف و به محامد فضل و پرهیزگاری و شایستگی معروف است واگذار نموده که در شرایط خدمات بقعه متبرکه و تنظیم خدام و ترتیب منزل و تنزیه مقام و حسن رفتار به اصدار... (قسمتی از بین رفته) و نظم و نسق موقوفات و آبادی و رونق بقعه مطهره مساعی جمیله به منصفه ظهور رسانیده از خدمت عوض نکند، مقرر آنکه حکام و مباشرین حال و استقبال دارالخلافة و خدام آستانه مزبور را... امامزاده واجب التعظیم دانسته امور بقعه مطهره و موقوفات آنجا را مفوض و مسلم به مشارالیه دانند که به هر نوع صلاح داند معمول دارد و خدام آنجا از امر وی و صواب دید او تخلف نمایند... فرجام دفترخانه مبارکه، شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط نموده از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس دارند و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر ذیقعدة الحرام سنة ۱۲۷۶.

پی نوشت ها

۱. الذریعة الی تصانیف الشیعه، شیخ آقابزرگ طهرانی، بیروت: دارالاضواء، ۱۳۷۸ هـ ج ۱۳، ص ۲۵۳.
۲. حدیقة الشعراء، سید احمد دیوان بیگی شیرازی، به تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران: زرین، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸۷۱.
۳. مجمع الفصحاء، رضاقلی هدایت، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۰، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۴۶۲.